

ادداشت‌ها

حسن تردست*

مصرف کنندگان شیشه از عوامل مهم اخلاخل در امنیت روانی جامعه هستند

مصرف‌های زیادی درباره جرائم خشن که عاملان آن مصرف‌کنندگان مخدرهای صنعتی هستند، منتشر می‌شود؛ خبرهایی مثل بریدن سر کودک ۱۰ ساله یا کشتن اعضای خانواده… که عامل آن در اثر مصرف و توهم ناشی از آن مرکب جنایت می‌شود.

کراک و شیشه از نظر تخریب سیستم‌های درونی، از مخرب‌ترین مواد مخدر شناخته شده هستند. پس از گذشت مدتی از ظهور این مواد مخرب و ویرانگر، این مخدرهای صنعتی اثرات و تخریب‌های خود را روی جسم و روان مصرف‌کنندگان می‌گذارند که بی‌شک شمار زیادی از آنها منجر به قتل‌های فجیع می‌شود. بنا بر ضرورت آگاهی مردم متذکر می‌شوم که از میان مواد روانگردان در بازار مصرف، باید از قرص‌ها و داروهای شیمیایی که برای کنترل بعضی اختلالات روانی یا ترک اعتیاد مصرف می‌شود، یاد کرد. افرادی که به منظور ترک یا درمان اعتیاد، این داروها مصرف می‌کنند، اغلب این نوع مصرف را به صورت خودسرانه انجام می‌دهند و پس از مدتی به مصرف این داروها معناد می‌شوند. بیشتر این افراد باز هم به مصرف مواد مخدر اولیه خود روی می‌آورند، آن‌هم در شرایطی که و داروهای شیمیایی که برای کنترل بعضی اختلالات روانی یا ترک اعتیاد مصرف می‌شود، یاد کرد. افرادی که به منظور ترک یا درمان اعتیاد، این داروها مصرف می‌کنند، اغلب این نوع مصرف را به صورت خودسرانه انجام می‌دهند و پس از مدتی به مصرف این داروها معناد می‌شوند. بیشتر این افراد باز هم به مصرف مواد مخدر اولیه خود روی می‌آورند، آن‌هم در شرایطی که در بررسی حوزه اجتماعی و نحوه ورود و داد و ستد این مواد در داخل شهرها و روستاها، مدارس و دانشگاه‌های کشور باید گفت که متأسفانه به‌رغم تلاش‌های مراکز انتظامی و امنیتی در شناسایی باند‌های قاچاق مواد مخدر و کشف‌های محموله‌های تنی که اغلب در رسانه‌های عمومی اعلام می‌شود، این مواد در جامعه به سهولت در دسترس افراد قرار می‌گیرد.

به نظر من از میان مهم‌ترین علل این امر باید به عوامل داخلی و خارجی آن اشاره کرد. عامل خارجی یعنی اینکه در رابطه با همجواری کشور ایران با کشور افغانستان که یکی از بزرگ‌ترین تولید و توزیع کنند مواد مخدر در سطح جهان است، فکری اساسی صورت گیرد. درباره همجواری با کشوری که تازیت آن توسط قاچاقچیان بین‌المللی مانند گروهک‌های طالبان، القاعده و داعشی‌ها انجام می‌شود. عامل داخلی را هم می‌توان تنگناهای اقتصادی و بالا بودن رشد بیکاری در جامعه دانست.

جوان جامعه ما ابتدا با وعده‌های در آمد آسان و خرید موتور سیکلت اقساطی که جذاب‌ترین وسیله اغفال است، در دام سوداگران حرفه‌ای می‌افتد و برای تحصیل، کسب در آمد و رفیع نیازهای مالی خود در همان موتورسیکلت اقدام به فروش مواد مخدر می‌کند. البته با این خیال باطل که خود معناد نخواهد شد ولی سوداگران برای استمرار بهره کشی برای توزیع مواد، او را به مرور معناد و از وی گروه‌کشی می‌کنند و تا زمانی که این جوان فریب خورده تاب و توان دارد و به قول معروف ظاهرش تابلوی اعتیاد نشده به کار خود ادامه می‌دهد. در نهایت هم پس از اینکه او از افتاد و دارای ظاهر و چهره‌ای تابلو شد، از گروه اخراج می‌شود.

در این وضعیت است که به لحاظ اثر تخریبی این مواد مخدر بر روان، اعصاب و جسمش، دچار بحران روحی و با اعضای خانواده در گیر می‌شود و در آخر هم به لحاظ آگاهی نداشتن خانواده‌ها یا نحوه برخورد با فرد معناد یا عدم تمکن مالی برای معالجه او، از خانواده رانده می‌شود. حالا کار به جایی می‌رسد که از طرف دیگر او حتی قادر به تأمین خرید مواد هم نیست، پس ناگزیر دست به انواع خلاف‌ها از جمله سرقت از خانواده یا حبس‌قاپی می‌زند.

بعضاً متذکران در شرایط روانی ناپایدار ناشی از استعمال مواد صنعتی مانند شیشه و کراک و… حتی می‌توانند در حال توهم مرکب قتل‌های فجیع شوند.
دسته‌ای از آنها هم همان طور که شهروندان در محلات خود هر روز مشاهده می‌کنند، اقدام به کشتن زباله‌دان‌های شهرداری می‌کنند و محتویات کیسه‌های زباله را بیرون می‌ریزند و در معابر پخش می‌کنند. بنابراین با این ترسیم مثالی، عینی و واقعی، از این معنادان هر کار و هر جنایتی سر می‌زند. در اصل باید بپذیریم که آنها یکی از عوامل مهم اخلاخل در امنیت روانی جامعه یا شکل می‌دهند.

بارها در دستگاه قضایی مشاهده شده جوانی برای اولین بار به اتهام مصرف، حمل یا فروش تحت تعقیب قرار گرفته است و متأسفانه قضات بدون در نظر گرفتن زمینه‌های شخصی، خانوادگی و اجتماعی فرد را مجرم دانسته‌اند و بدون در نظر داشتن شرایط روحی و روانی‌اش، او را بازداشت و به ندانمگاه معرفی می‌کنند. در صورتی که اصلاً توجه نمی‌کنند که محیط زندان خود با داشتن مجرمان سابقه‌دار و حرفه‌ای، آموزشگاه انواع جرائم است. حال جوان مطرود از خانه و مدرسه و ناامید از آینده، ظرف چند روز اقامت در زندان، پناهگاه خود را بین گروه‌های توزیع کننده مواد پیدا می‌کند.

در فلسفه مجازات که بنا بود دستگاه عدلیه موجب تنبئه (آگاه و بیدار شدن از غفلت) و جلوگیری از تخری و پیشگیری از تکرار جرم شود، خود باعث و زمینه‌ساز جذب جمعیت خلافکاران و تخری تشدید اثر کتاب به جرم‌های سنگین‌تر شده است.

از طرفی باید با آموزش عمومی و جریان‌سازی رسانه‌ای و اداری، خانواده‌ها و مسئولان در حوزه‌های فرهنگی، اجرایی و قضایی، فرد معناد و اعتیاد را به عنوان یک بیمار و بیماری درک و باور کنند و با این تفکر و با جلب نظر متخصصان و کارشناسان در محیط و حوزه‌های مختلف کاری، راهکارهایی کوتاه‌مدت و درازمدت را با تناسب بیمار و بیماری، تنظیم و مجدانه در سطح ملی اجرا کنند.

* قاضی بازنشسته و وکیل دادگستری

قتل همسر با ضربات شیلنگ گاز

مرد افغان پس از قتل همسرش با ضربات شیلنگ گاز از خانه گریخت.

به گزارش خبرنگار ما، ساعت ۲۰ شامگاه سه‌شنبه، قاضی منافی آذر، بازپرس ویژه قتل با تماس مأموران کلانتری ۱۱۶ مولوی از حادثه خونینی در یکی از خانه‌های محل آگاهی در محل حاضر شد.محل حادثه خانه با خبر و به همراه کارآگاهان اداره دهم پلیس آگاهی در محل حاضر شد.محل حادثه خانه قدیمی ۴۰ متری، پشت بازار پرده‌فروشان خیابان مولوی بود.وقتی که بازپرس قدم به داخل اتاق گذاشت با جسد کبود شده زن ۲۲ساله‌ای مواجه شد.

زنی که ماجرا را به پلیس خبر داده بود،

در شرح ماجرا گفت: من جاری مقتول هستم. ساعتی قبل بود که شوهرش بشیر که مردی افغان است با من تماس گرفت و گفت که حال همسرش بد شده‌است. من هم به سرعت خودم را به اینجا رساندم. وقتی وارد اتاق شدم دیدم که ریحانه وسط اتاق خوابیده و بشیر کنارش نشسته است و شیلنگ گازی هم به دست دارد. از صورت کیود ریحانه متوجه شدم که اتفاق بدی افتاده‌است. بشیر گفت که با همسرش دعوا کرده و او را با شیلنگ کتک زده است. من

نگران شدم و با اورژانس تماس گرفتم.وقتی امدادگران بر بالین او حاضر شدند گفتند که وی به علت شدت ضربات جان باخته است. بشیر وقتی این جمله را شنید، کفش‌هایش را به پا کرد و از خانه گریخت. زن جوان ادامه داد: بشیر مرد شکاکی بود و سر این موضوع مدام با همسرش مشاجره می‌کرد. ریحانه صاحب دو کودک خردسال بود و شش قبل تماس گرفت و گفت که شوهرش بچه‌ها را با همسرش ماردش برده است. حال‌ا که این حادثه رقم خورده است،

فهمیدم که او از قبل برای قتل نقشه کشیده بود. همسایه‌ها هم در جریان تحقیقات میدانی گفتند که مرد افغان و همسرش از کارشناس پزشکی قانونی پس از معاینه‌اولیه جسد هم نشان داد که مقتول بر اثر شدت ضربات شیلنگ گاز تسلیم مرگ شده‌است. پس از آن بود که جسد به دستور بازپرس به پزشکی قانونی منتقل شد و کارآگاهان اداره دهم پلیس آگاهی تهران برای بازداشت متهم مشغول بررسی شدند.

📷 عکس و گزارش میدانی

غلامرضا مسکنی

انداختن دعوایی ساختگی از خانه خارج شد به این حدیثی که پلیس او را بازداشت و راهی زندان کند و را از جنايتش مخفی بماند.

به گزارش خبرنگار ما، صبح روز پنج‌شنبه ۲۶ آبان ماه، مرد شیشه‌ای ۲۷ ساله که شادمهر نام دارد پس از ایجاد مزاحمت برای همسایه‌شان در منطقه نعمت آباد تهران، با حکم قضایی راهی زندان فشافویه شد. در حالی که بستگان و همسایه‌های شادمهر گمان می‌کردند همسر ۲۰ ساله و دو پسر ۱۵ ساله و زوجه راهی خانه پدری در کرخ شده‌اند، ساعت ۱۵ عصر روز سه شنبه، سوم آبان ماه بود که شوهر خواهر شادمهر متوجه شد صاحبخانه شادمهر حکم تخلیه گرفته است بنابراین برای جمع کردن وسایل به آنجا رفت. این مرد پس از گذشون در خانه و استنشام بوی بد، خانه را گشت تا اینکه اجساد همسر و دو فرزند شادمهر را در کمد دیواری پیدا کرد و پلیس را از ماجرا باخبر کرد.

لحظاتی بعد مأموران کلانتری خانی آباد در محل حادثه که طبقه چهارم آپارتمانی در کوچه شاهد سوم در خیابان طالقانی بود، حاضر شدند. پس از تأیید این خیر قاضی منافی آذر، بازپرس ویژه قتل از دادسرای جنایی تهران به همراه کارآگاهان اداره دهم پلیس آگاهی در محل به تحقیق پرداخت. نخستین بررسی‌ها نشان داد سه مقتول با فشار بر عناصر حیاتی گردن به‌وسیله پارچه یا روسری کشته شده‌اند. همچنین تیم پزشکی در معاینات اولیه در محل حادثه اعلام کرد از مرگ این سه نفر بیش از ۱۰ روز گذشته است. نخستین تحقیقات حکایت از آن داشت عامل این جنایت پدر خانواده به نام شادمهر است که مدتی قبل معناد به شیشه بوده و پس از درگیری با همسایه راهی زندان شده است. در تحقیقات بعدی مشخص شد شادمهر روز حادثه از روی بالکن خانه‌اش با صدای بلند به همسایه‌ها گفته است که سه نفر را به قتل رسانده و بعد در خانه همسایه را شکسته است، اما این متهم آن روز در بازجویی‌های مأمور کلانتری موضوع قتل را انکار کرده بود. از سوی دیگر بررسی‌ها نشان داد متهم پس از قتل درگیری ساختگی را به راه انداخته تا به این بهانه به زندان برود و ایسن گونه وانمود کند که از قتل اعضای خانواده‌اش بی‌خبر بوده‌است. مأموران پلیس در ادامه جست‌وجو در محل حادثه با مطاب دار آمیزان به کمد دیواری روبه‌رو شدند که نشان می‌داد متهم پس از قتل تصمیم به خودکشی گرفته اما بعد از تصمیمش منصرف شده است.

در حالی که تحقیقات پلیسی نشان می‌داد مظنون اصلی این حادثه شادمهر است، بازپرس منافی آذر برای روشن شدن موضوع راهی زندان فشافویه شد و از متهم بازجویی کرد. متهم در بازجویی‌ها به قتل همسر و دو فرزندش اعتراف کرد و مدعی شد از مدتی قبل با همسرش اختلاف داشته و روز حادثه پس از مصرف شیشه دست به این جنایت زده است.

پس از اعلام این حادثه خبرنگار ما به محل حادثه رفت و با همسایه‌ها متهم گفت وگو کرد

حرف‌های صاحبخانه
صاحبخانه متهم گفت: چهار ماه قبل شادمهر طبقه چهارم خانه مرا اجاره کرد. آن زمان او یک پسر و دو ساله داشت و

چه مصرف می‌کنی؟

شیشه

چقدر؟

خیلی زیاد. هر چه در آمد دارم شیشه می‌کنم.

چه کاره‌ای؟

منازه میل فروشی و تعمیرات میل در منطقه خلانزیر دارم.

پس وضع مالی خوبی داری؟

داشتم، اما از وقتی معناد شدم زندگی‌ام خراب شد و پولی هم ندارم.

با همسر ات اختلاف داشتی؟

نه. اختلافی نداشتم.

همسا به‌ها گفته بودند که با همسرت همیشه مشاجره داشتی؟

حوادث

سرویس حوادث📞 ۸۸۹۸۴۳۵

فاجعه قتل همسر و ۲ نوزاد به دست مرد شیشه‌ای

مرد شیشه‌ای پس از ارتکاب جنایت قصد خودکشی داشت اما از کار خودش پشیمان شد



همسرش هم باردار بود. او ابتدا مشکلی نداشت تا اینکه کم‌کم متوجه شدیم با همسرش اختلاف پیدا کرده است. وقتی موضوع را پیگیری کردیم، فهمیدیم او معتاد به شیشه است و همیشه توهم دارد.

مدتی گذشت و حتی او اجاره‌اش را هم پرداخت نمی‌کرد و همیشه امروز و فردا می‌کرد. پس از این با بنگاه املاک درمیان گذاشتم و تصمیم داشتیم او را از خانام بیرون کنیم، اما به خاطر همسر باردارش که زن خوبی بود، تحمل کردیم و به او فرصت دادیم. مدتی قبل همسرش همراه پسر دو ساله‌اش به خاطر زایمان به خانه پدرش در کرخ رفت و از آن روز به بعد ما همسرش را ندیدیم تا اینکه روز حادثه وقتی به خانه آمدم، متوجه شدم شادمهر در خانه طبقه دوم را شکسته است و پس از مزاحمت برای همسایه‌ها مأموران کلانتری او را بازداشت کرده و به زندان برده‌اند. ما فکر می‌کردیم همسر و دو فرزندش هنوز در کرخ هستند و از طرفی هم تلفن خانواده همسرش را نداشتیم که از او خبری بگیریم تا اینکه وقتی از آنها خبری نشد به دادگاه رفتیم و حکم تخلیه گرفتیم. صبح روز سه‌شنبه با خانواده متهم تماس گرفتیم و گفتیم حکم تخلیه خانام را گرفته‌ام و به آنها گفتیم که بوی بدی از خانه‌اش می‌آید و خواستم در خانه‌اش را باز و وسایلش را جمع کنند که عصر همان روز یکی از بستگانش به خانه‌اش آمد. وقتی در را باز کرد، بوی بدی همه‌جا را فرا گرفته بود. ابتدا فکر کردم مواد غذایی خراب شده‌است، اما وقتی جست‌وجو کردیم با اجساد خانواده‌اش در کمد دیواری روبه‌رو شدیم.

آن روز متهم فریاد می‌زد خانواده‌ام را کشتیم
یکی از همسایه‌ها گفت: چند ماهی است این خانواده به این کوچه آمده‌اند. همسر متهم زن خوبی بود و همه همسایه‌ها از او راضی بودند، اما شوهرش مرد بداخلاقی بود که بعدها فهمیدیم معتاد به شیشه است. چند روز قبل از حادثه برای زایمان به خانه مادرش رفت و از همسایه‌ها خداحفاظتی کرد و ما تا روز حادثه فکر می‌کردیم او هنوز خانه مادرش است.

روز پنج‌شنبه دو هفته قبل بود که صدای این مرد را از روز سه شنبه مأموران به کوچه ما آمدند و اجساد این خانواده را کشف کردند. **کوچه را ترس و وحشت فرا گرفت**
زن میانسانی از اهالی این کوچه گفت: ما همسر او را می‌شناختیم، اما خودش را زیاد ندیده بودیم. همسرش زن خوبی بود و من چند بار برای خرید سبزی و میوه با او به بازار رفتم که فهمیدم او از مهریانی است.

او وقتی به کرخ رفت، از من خداحفاظتی کرد و من تا قبل از کشف جسدش فکر می‌کردم خانه مادرش است.

وی ادامه داد: وقتی مأموران پلیس جسد زن جوان و دو فرزندش را از داخل خانه‌اش کشف کردند، ترس و دلهره همه کوچه را فرا گرفت به طوری که من آن شب تا صبح ن خوابیدم. وی در پایان گفت: مسئولان برای افراد معناد مخصوصاً جوان‌هایی که شیشه مصرف می‌کنند باید

جهار‌ای بیندیشند تا خانواده‌ها شاهد اینگونه حادثه‌های دلخراش نباشند.

خسته شده بودم که تصمیم گرفتم او را کتک بزنم.

چرا اعضای خانواده‌ات را کشتی؟

بدنکاری به باجناتم همیشه به من استرس وارد می‌کرد.

از سوی دیگر مادر زنم همیشه به من فشار می‌آورد که بدهی‌ام را به باجناتم بدهم. من هم پولی نداشتم که به او بدهم و همین موضوع باعث شد همیشه با همسر

درگیری داشته باشم. خیلی از زندگی خسته شده بودم تا اینکه تصمیم گرفتم به این زندگی پایان دهم.

چرا پسر ۲ ساله و پسر ۱۵ روزه‌ات را کشتی؟

من تصمیم گرفتم خودم و همسرم را یکشم به همین خاطر حتی طناب دار هم آماده کردم تا پس از قتل همسرم، خودم را یکشم. وقتی همسرم را کشتم با خودم فکر کردم بچه‌هایم تنها می‌مانند به همین خاطر آنها را هم کشتم تا در آن دنیا همه با هم باشیم.

تصادف اتوبوس پاکستانی با هوو

تصادف اتوبوس حامل اتباع پاکستانی با کشنده هوو در شهرستان یزد دو زخمی برجای گذاشت.

این حادثه ساعت ۲ بعدازدیروز در محور «کنارگذر» یزد اتفاق افتاد. همزمان با وقوع حادثه مأموران پلیس و امدادگران در محل حاضر شدند و شروع به امداد رسانی کردند.

سرهنگ «محمد مظفری» رئیس پلیس راه‌استان یزد گفت که این اتوبوس حامل ۵۵ مسافر بود که در کنارگذر یزد به علت حرکت با دنده عقب با کشنده «هوو» برخورد کرد.

بازداشت عاملان انتشار

شایعه گروگانگیری در تهران

رئیس پلیس پایتخت، از دستگیری عاملان انتشار شایعه «گروگانگیری در بازار موبایل ایران» و «بمب گذاری در ۲ نقطه تهران» خبر داد.

سرتیپ پاسدار حسین ساجدی‌نیا گفت: به دنبال انتشار شایعه گروگانگیری در بازار موبایل ایران با ۲۷ کشته و بمب‌گذاری در ۲ نقطه از شهر تهران که به سرعت در شبکه‌های اجتماعی منتشر شد، پلیس پایتخت رسیدگی به موضوع را در دستور کار قرار داد. وی ادامه داد: در بررسی‌های پلیس، مشخص شد هیچ مورد حادثه گروگانگیری در بازار موبایل ایران و بمب‌گذاری اتفاق نیفتاده است، بنابراین در گام دوم دستگیری عامل یا عاملان انتشار این شایعات آغاز شد و سه نفر در این رابطه شناسایی و دستگیر شدند.

رئیس پلیس تهران با اشاره به این مطلب که تمامی عکس‌های استفاده شده در اخبار مذکور خلاف واقع است، گفت: در گزارش‌های منتشر شده در شبکه‌های اجتماعی، تصویری وجود دارد که مربوط به مانورهای است که مأموران نوپو در ایام هفته ناجا در سطح کشور انجام می‌دهند که متأسفانه متهمان با سوءاستفاده از این تصاویر سعی در برهم زدن امنیت روانی جامعه داشتند. این مقام انتظامی در پایان با اعلام این مطلب که تمامی نقاط پایتخت در امنیت کامل است و مشکلی در این خصوص وجود ندارد، تصریح کرد: پلیس تهران بزرگ تأمین امنیت اجتماعی و روانی جامعه را جزو وظایف ذاتی خود می‌داند و به جد با تمام افرادی که با شایعه‌راکتی و نشر این گونه مطالب، قصد تشویش اذهان عمومی، برهم زدن امنیت روانی جامعه و احساس امنیت شهروندان را داشته باشند، طبق قانون با قطعیت برخورد می‌کند.

متجاوز در ملأعام اعدام شد

یک مرد متجاوز صبح دیروز در شهرستان میامی استان سمنان در ملأعام اعدام شد.

عباسعلی اکبری، رئیس دادگستری شهرستان میامی گفت: مرد ۲۰ ساله‌ای از اهالی روستای منیدر از توابع شهرستان سبزوار و ساکن میامی بود که به اتهام چند فقره تجاوز بازداشت و در محاکم قضایی می‌داند و به حبس، شلاق و اعدام محکوم شد. وی ادامه داد: محکوم به مرگ پس از انجام تشریفات قانونی اجرای حکم اعدام شد.

۲ زخمی در انفجار مین‌های جنگی

انفجار دو قبضه مین به جسامنده از دوران جنگ تحمیلی در شهرستان قصر شیرین، دو زخمی برجای گذاشت.

یکی از انفجارها حوالی روستای قلعه سبزی قصرشیرین اتفاق افتاد که در جریان آن مرد کشاورز هنگام شخم زدن زمین با مین برخورد کرد و از ناحیه دست و پا مجروح شد. در حادثه‌ای دیگر که در منطقه آزاد مرز خسروی اتفاق افتاد راننده یک دستگاه بیل مکانیکی پس از برخورد با مین از ناحیه دو چشم و دیگر اعضای بدن دچار جراحت شد. قصرشیرین در غرب استان کرمانشاه با بیش از ۲۷ هزار نفر جمعیت با عراق ۱۸۶ کیلومتر مرز مشترک دارد و در هشت سال دفاع مقدس به مدت دو سال در اشغال نیروهای متجاوز یعنی بود.

مأموران دولت

براساس ماده ۶۰۴قانون مجازات اسلامی، اگر مستخدمین دولت نوشته‌ها، اوراق یا اسنادی را که برای انجام وظایفشان به آنها داده شده، مدموم یا مخفی کنند یا برخلاف قانون آن را به کسی بدهند، علاوه بر جرمان خسارت باید به حبس از سه ماه تا یک سال محکوم شود. –اگر کارمندی در سند سپرده شده به او مرتکب اشتباهی شود و برای پوشاندن اشتباه خود، سند را مخفی کند یا از بین ببرد، مشمول ماده مذکور نمی‌شود.

– در ماده مذکور اصل نوشته‌ها، اوراق و اسناد مورد نظر قانونگذار است و رونوشت یا تصویر اسناد و اوراق مشمول ماده مذکور نیست.

براساس ماده ۷۰۷قانون مجازات اسلامی،هرگونه حمله یا مقاومتی که با آگاهی نسبت به مأموران دولت هنگام انجام وظیفه‌شان صورت گیرد،مرد محسوب می‌شود و مجازات آن به شرح زیر است:

۱–اگر فرد به قصد تهدید اسلحه خود را نشان دهد، به حبس از شش ماه تا دو سال محکوم می‌شود.

۲–اگر فرد در زمان اقدام دست به اسلحه برد، به حبس از یک تا سه سال محکوم می‌شود.

۳–در موارد دیگر به حبس از سه ماه تا یک سال محکوم می‌شود. بر طبق تبصره این ماده اگر فرد مرتکب در آن زمان مرتکب جرم دیگری هم بشود، به مجازات هر دو جرم محکوم می‌شود.

–اعضای بسیج پاسداران انقلاب اسلامی،در زمان مأموریت جزو مأموران دولت به شمار می‌روند ولی مستخدم دولت نیستند.

–کارمندان اداری آستان قدس رضوی، مستخدم یا مأمور دولت محسوب نمی‌شوند و توهین به آنان در حکم توهین به مأموران دولت تلقی نمی‌شود.

–بی‌توجهی به تعقیب و اخطار ایست مأموران و فرار متهم از مصادیق نمرذ نسبت به مأموران دولتی محسوب نمی‌شود. همچنین فرار نیز از مصادیق نمرذ نیست، چون در قرار حمله یا مقاومتی در برابر مأموران انجام نمی‌شود.